

**بنام یگانه هستی بخش**

# حقه باز

تقدیم به همه زنان و دختران

اصفهائی و ایران



نویسنده :

همیشه‌ری : حور

# حقه باز

تقدیم به همه زنان و دختران  
اصفہانی و ایران

نویسنده : همشہری، ح.ر

## مقدمه :

روزها یکی پس از دیگری می آیند و میروند... هوا گرم میشود و سرما از راه می رسد... شب روز و روز شب میشود، اما...

در میان آدمها راه می روم و حیران در بینشان ، چشمانم به دنبال آشنایی میگردد، ولی...

از جملات نقطه چین دار که بگذرم و بخواهم به اصل مطلب پردازم ، به ادامه حرفم میرسیم . همان چشمی که می گردد تا شاید آشنای دل را بیابد.

مخاطبین محترم این کتاب ، زنان و دختران پاکدلی هستند که در این زمانه قمر در عقرب ، اسیر تنهایی شده و هر لحظه در معرض افتادن به دست حقه بازها هستند . حقه بازانی که در کمین نشسته اند تا طعمه خود را شکار کنند.

این کتاب به شما می آموزد که چگونه هوش تشخیص گرگ را از بره بیاموزید. می آموزد تا فریب حقه بازان روزگار را نخورید و به تار عنکبوت این افراد نیفتید. ممکن است از خود بپرسید که در این کتاب ، چرا اشاره به همشهریان اصفهانی ام دارم و سپس دیگر هموطنانم...

اگر این کتاب را تا پایان مطالعه فرمائید ، حتما پاسخ این سوال را خواهید یافت ، وگرنه برای این حقیر ، تبعیض معنایی ندارد.

به شما مخاطب عزیز اطمینان می دهم که این کتاب از شما انسانی خواهد ساخت که با یک نگاه ، حقه باز را شناسایی کنید.

در پایان کتاب ، آدرس تلگرام بنده درج گردیده تا در صورت هر گونه مشکل یا سوال در زمینه این کتاب ، پاسخگوی شما باشم.

**موفق باشید**

فصل اول :

ماجرای من

این فصل به ماجرای شخص خودم اختصاص دارد. شاید برایتان جالب باشد که چرا یک آقا بایستی به این مسئله بپردازد. حقیقت ماجرا این است که من از نزدیک شاهد این تراژدی بوده ام که چگونه زنان و دختران ساده دل و زود باور، به راحتی به چنگال حقه بازها افتاده اند. در حالی که اگر حتی یکی از راهنمایی های این کتاب را آموخته بودند، هرگز فریب این افراد را نمی خوردند.

بنابر این تمام سعی خود را نموده ام تا هر چه در طی چندین ماه زیر نظر داشتن حقه بازها آموخته ام را در قالب یک کتاب کم حجم تقدیم همه زنان و دختران شهر خود و کشورم نمایم تا ازدواج و آینده ای زیبا را بدست بیاورند.

من جوانی ۳۳ ساله ی اصفهانی هستم و اکنون که در حال نگارش این کتاب می باشم، یکی از تنها ترین انسان هایی هستم که حداقل در شهر خود وجود دارد. چرا که هرگز نتوانستم یک حقه باز باشم. ولی خوشبختانه یا متأسفانه، این شانس را داشتم که چند سالی حقه بازهای اطرافم را زیر نظر داشته باشم.

ماجرای من پس از یک شکست عشقی آغاز می شود. زمانی که دل در گرو عشقی پوشالی نهاده بودم و پس از مدت چند سال، دریافتم که بر روی آب خانه ی دلم را ساخته ام. روز و شب برایم یکی شده بود و حس افسردگی شدیدی میکردم. بی حوصله و بی رغبت به دنیای اطرافم، در تنهایی خود زانوی غم بغل گرفته بودم و با خاطرات خوش دوران عاشقی، تانیه ها را برای خود تلخ می نمودم.





گویی که دنیا با تمام زیبایی هایش، دیگر برایم  
به پایان رسیده بود و به روحی سرگردان مبدل  
شده بودم.

شاید اگر مراجعه به روانپزشک و داروهای  
ضد افسردگی و آرامبخش نبود، اکنون دیگر  
حتی زنده نبودم...

مدتها میگذشت و من به همین منوال روز و  
شب میگذراندم تا اینکه روزگار شخصی را بر  
سر راهم قرار داد که به نوعی روحیه ام  
راتغییر داد. آن هم بدون اینکه بداند یا بخواهد.  
آری، یکی از دوستانم که چندین سال از او بی  
خبر بوده و ارتباطی با او نداشتم را بطور  
اتفاقی دیدار نمودم. البته در موردش شنیده  
بودم که او یکی از حقه باز های داستان ماست  
، ولی رابطه ی دوستانه ای با او نداشتم. چرا  
که من شخصی عاشق پیشه بودم و او پسری  
هوسباز. به همین خاطر جز سلام و احوالپرسی  
معمولی در گذشته، رابطه ی صمیمی بین ما  
نبود.

ولی نمیدانم که چرا آنروز وقتی شماره تلفن  
مرا درخواست نمود، نتوانستم او را از سر

خود باز نمایم. شاید بخاطر تنهایی... شاید هم به دلیل یادآوری خاطرات دوران کودکی ام با او .



فردای آن روز دوستم با من تماس گرفت و به من گفت که می خواهد مرا ببیند . من هم که از تنهایی و کرختی ناشی از قرص های آرامبخش کلافه شده و از مصاحبت با یک دوست یا آشنا بدم نمی آمد ، با او قرار ملاقات گذاشتم.

از همان دقایق اول دیدارمان ، معلوم شد که او هنوز همان شخصیت سال های گذشته را دارد. با این تفاوت که هوسبازیش شدت گرفته بود .

چرا که هر چند دقیقه میدیدم که زن یا دختری با او تماس میگیرد و جالب اینکه دوست من ، برای هر کدام نقش عاشقی دلباخته را بازی می کرد.

در حیرت بودم که چگونه ممکن است یک شخص در آن واحد ، بتواند اینقدر عادی و معمولی برای چند نفر نقش مردی احساساتی را ایفا کند ، بدون اینکه طرف مقابلش متوجه دروغ هایش شود.

در لابلای تماس ها و پیامک های به ظاهر عاشقانه اش، گپ و گفتی میکردیم و یاد گذشته های دور را زنده می کردیم . در این بین به ذهنم خطور کرد که در مورد روابطش با دختران و زنها سوالاتی را مطرح کنم.

چیزهایی که میشنیدم، بیشتر برایم جنبه لاف و دروغ می نمود تا واقعیت...چرا که دوستم

**{ بگذارید آقای حقه باز خطابش کنم }**

، حرف هایی می زد که با عقل جور در نمی آمد. براستی مگر می شد که او به این راحتی بتواند زنان و دختران را فریب دهد؟



آن شب وقتی به خانه بازگشتم ، تصمیم گرفتم  
که شماره آقای حقه باز را در لیست سیاه تلفن  
همراهم قرار دهم و در همان تنهایی خود به  
سر بیرم . ولی فکر زنان و دختران ساده  
دلی که به راحتی و در غفلت ، با آقای حقه  
باز دنیایی از عشق را در ذهن خود می  
پروراندند ، از ذهنم بیرون نمی رفت.  
نیمه ای از وجودم میگفت که کاری از تو بر  
نمی آید. چه میتوانی بکنی؟ این زنان و دخترانی

که دیدی نه اولینش هستند و نه آخرینش خواهند بود...

اما نیمه دیگر وجودم فریاد میزد که میتوانی کاری بکنی. به سهم خود و هر چند کوچک...  
{یادآوری میکنم که بنده حقیر، چند کتاب دیگر در موارد مختلف و به نیت کمک به هموطنانم نوشته ام که در اینترنت، به راحتی می توانید آن ها را دانلود نمایید.}

همان شب بود که به ذهنم خطور کرد تا کتابی در زمینه ی بر ملا کردن اسرار حقه بازها بنویسم. با این کار امیدوار بودم تا بتوانم زنان و دختران ساده دل را از به دام افتادن چنین افرادی آگاه کنم.

اما برای این کار نیاز به اطلاعات داشتم و این اطلاعات بدستم نمی رسید، جز بوسیله ی حقه بازی که کاملاً در دسترس بود. برای این منظور، می بایستی که مدتی را با او سپری میکردم تا از نزدیک شاهد باشم که وی با چه حقه و ترفندهایی نقشه هایش را عملی میکند.



با این کار، دو نشان را با یک تیر مورد هدف قرار میدادم. اول اینکه از حال افسردگی و رکود خارج می شدم و دوم اینکه قدمی در راه نجات زنان و دختران بیگناه و زود باوری بر میداشتم که نیاز به کمک یا راهنمایی در این زمینه داشتند.

و اینگونه شد که مجبور شدم تا من نیز برای آقای حقه باز نقش بازی کنم.

از فردای آن روز، سعی کردم که هر چه می توانم به او نزدیک تر شوم تا اطلاعات کافی

در زمینه کتابم بدست بیاورم و تا جایی که  
توانستم با او همنشین شدم.

## فصل دوم :

### حقه های آقای حقه باز



چند روزی می گذشت و من با آقای حقه باز  
رفاقتی نزدیک را آغاز کرده بودم . واقعا دیدن  
فردی که هر روز با چندین زن و دختر  
رابطه ی به ظاهر عاشقانه را آغاز و پس از  
سوء استفاده آنها را رها می کرد، برایم بسیار  
آزار دهنده بود و لحظه شماری می کردم تا  
دوستی مصلحتی ام را با او بر هم زنم ، ولی  
مجبور به ادامه بازی بودم.

آقای حقه باز حتی چندین مرتبه از من دعوت  
نمود تا در جمع دو نفره ی او و کیس های  
فریب خورده اش قرار بگیرم تا با این کار به  
خیال خودش، به من فخر بفروشد. من نیز قبول  
می کردم و از نزدیک شاهد رابطه ی آنها می  
شدم. برآستی که گاهی از ته دل میخواستم تا  
به دختران و زنان در دام افتاده ی آقای حقه  
باز هشدار دهم که در چه دامی قرار  
گرفته اند . ولی قطعا آنها باور نمی کردند و  
از طرفی رابطه ی من با حقه باز قطع می شد  
و او هنوز قربانیان بسیاری برای در دام  
انداختن پیش رو داشت.

هنگامی که با جناب حقه باز تنها می شدم ،  
شروع به سوال می کردم و رازهای مخفی اش  
را از درون ذهن زشتش بیرون می کشیدم. و  
صد البته که قرار گرفتم در جمع او و طرف  
مقابلش ، اطلاعات و آگاهی بسیاری به من می  
داد.



{ البته این عکسه شوخیه . اینطوری بازجویی  
نمیکردم... }

به هر حال اگر بخواهم از جزئیات بگذرم ، به شما پیشنهاد میکنم که یک راست به سراغ اصل مطلب برویم.

از این نقطه به بعد لطفا دقتتان را در مطالعه ی این کتاب بیشتر کنید.چرا که مطالب بسیار مهمی را بازگو خواهم کرد که اگر چه در ظاهر ساده، ولی در بطن آن تمام دام های حقه بازها را بر ملا می سازد.

در تمام مدت این چند ماه که با آقای حقه باز ارتباط داشتم ، دائما از او سوالاتی در مورد اینکه چگونه زنان و دختران را مجاب به دوستی و اعتماد به خودش میکند، می پرسیدم و طی این سوالات موفق شدم تا جواب معمای خود را بیابم . بنابراین از زبان آقای حقه باز جواب سوالات را بازگو میکنم.  
اولین نکته ای که آقای حقه باز اشاره کرد این بود که :

**برای جذب زنان و دختران ، همیشه باید لباس شیک و نو پوشید. چرا که آنها به این خصلت مرد خیلی توجه می کنند . اگر کسی لباس کهنه**

یا معمولی بپوشد ، هیچ زن و دختری به او توجه نمی کند.



البته حرف او به خودی خود بد نبود . چرا که برای هر مردی پوشش مناسب و شیک لازم است . ولی اصل مطلب نیت است و اینکه یکی از قطعات پازل دام حقه باز ها، پوشش به روز

و جذب کننده است . وگرنه از چاقو، هم میتوان  
در جهت کندن پوست میوه استفاده کرد و هم  
کشتن یک انسان...

دومین نکته ی آقای حقه باز :

داشتن اتومبیل بسیار مهم است . البته خود او  
یک خودروی... که اتومبیل خوبی هم به شمار  
میرود داشت . بماند که این اتومبیل را بوسیله  
انداختن قلاب در جیب زنان و دختران مُرفه  
برای خود دست و پا کرده بود.

در ادامه ی حرف های حقه باز:

وقتی اتومبیل داشته باشی ، هم توجه خیلی از  
خانوم ها رو میتونی جلب کنی، هم توی ماشین  
شیطنت های بیشتری میشه انجام داد...



آقای حقه باز در سومین نکته فرمود :

داشتن سر و زبان مُخ زنی (به اصطلاح خودش) بسیار مهم است. زنان و دختران به راحتی با یک مرد هم صحبت نمی شوند . راز این زبان چرب در چند چیز نهفته است . ابتدا بایستی که خیلی مؤدبانه سر صحبت را به بهانه ای باز کنی و سپس به آرامی کار را به رد و بدل کردن شماره تلفن برسانی . بقیه ی مراحل طی یکی دو روز جلو می رود.

( البته من خود چند مرتبه ای شاهد این روش او بودم و در کمال ناباوری ، از نتیجه ی مثبت آن متعجب می شدم.)

در ادامه:

باید خود را ابتدا مؤدب و موقر نشان دهی . به تدریج حرف های عاشقانه را چاشنی کار کن و هنگامی که کیس مورد نظر را از لحاظ احساسی وابسته کردی ، موقع زدن تیر به هدف، یعنی باز کردن رابطه ی جنسی است. البته بسیار مهم است که پس از تجربه رابطه ی جنسی ، کیس مورد نظر را رها کنی . زیرا

برایت در دسر خواهد شد. از هر باغی گلی  
بچین و رد شو...

تنها زنان و دخترانی که باید با آنها رابطه‌ی  
تقریباً مدت داری ایجاد کنی، کیس‌های مرفهی  
هستند که از لحاظ مالی تو را ساپورت نمایند.



سومین نکته ی آقای حقه باز :

عشق و عاشقی و احساسات، تو را اسیر میکند.  
مراقب باش عاشق نشوی. فقط گردش ، پول و  
رابطه ی جنسی . اگر اینکار را نکنی ، پشیمان  
میشوی. هیچگاه فقط با یک نفر رابطه نداشته  
باش و هر مورد مناسبی که برایت پیش آمد  
، از دست نده.



براستی که آقای حقه باز ، چه دنیای کوچکی  
داشت . زندگی بدون عشق و دلی که  
کاروانسرای آدمهاست...



نکته چهارم و خنده دار آقای حقه باز :

زنان و دختران امروزی ، عاشق کشیدن قلیان هستند. اگر صحبت را به قلیان بکشانی ، به راحتی با تو به گردش و حتی درون خانه... می آیند.

من که به عینه جادوهای آقای حقه باز را دیده بودم، حرف هایش را باور میکردم. ولی با خود می گفتم آیا برآستی یک قلیان ساده ، می تواند زن یا دختری را آنقدر مدهوش خود کند که به راحتی فریب یک حقه باز را بخورد؟ ولی متأسفانه باز هم به عینه حرفهای آقای حقه باز را مشاهده می کردم و البته واقعیتی تلخ...



پنجمین نکته از حقه های آقای حقه باز و البته  
مهمترین نکته :

آقای حقه باز به من گفت که همه ی نکات مهم  
هستند و بر روی جذب جنس مخالف تأثیر  
زیادی دارند. ولی نکته ای که باعث می شود  
زنان و دختران، بخصوص مجرد ها و زنان  
مطلقه جلوی من زانو بزنند ، پیشنهاد ازدواج  
است.

هنگامی که ظاهرا با هدف ازدواج به سمت  
دختر یا زن مطلقه ای بروی، باورت نمی شود  
که چه کارهایی برایت خواهند کرد... البته باید  
در ایجاد این فکر در ذهن آنان خبره باشی. این  
بزرگترین عاملی است که بیشتر کیس ها را  
برایت رام می کند.



اگر حقه های نه چندان مهم دیگر جناب حقه باز را کنار بگذارم، به آخرین حقه ی او اشاره میکنم:

آقای حقه باز در ادامه ی سخنان خود، حقه ی دیگری از خود رو کرد.

اگر می خواهی دختران و زنان در عین حالی که مطیع تو هستند، از لحاظ مالی نیز بهره مندت کنند، بایستی که در ذهن آنان توهم ثروت ایجاد کنی. یعنی به هر ترفند و دروغ که میتوانی، آنان را مجاب کن که وضع مالی خوبی داری و در یک کلام در زندگی مرفهی به سر میبری.



کمتر زن یا دختری حاضر است که با یک پسر  
آسمان جُل و معمولی رابطه ای برقرار کند.  
اما اگر بدانند که وضع مالی ات در شرایط ایده  
آل قرار دارد ، حتی بدون اینکه پولی برایشان  
خرج کنی ، تو را حمایت مالی خواهند کرد . به  
شرط آنکه راهش را بدانی... {در اینجا لازم به  
ذکر است تا بگویم ، به این خاطر که ممکن  
است حقه باز های تازه کار به این کتاب  
دسترسی پیدا کنند و از حقه های جناب حقه  
باز اعظم در جهت منفی استفاده نمایند، از ذکر  
جزئیات ترفند های حرفه ای بازگو شده توسط  
آقای حقه باز، خودداری نموده ام.}  
در ادامه ی سخنان آقای حقه باز:

اگر از من بپرسی ، با تکیه بر تجارب بیشمار  
ارتباط با جنس مخالف، نصیحتی به تو می کنم.  
دوران عشق و عاشقی به سر آمده و زنان و  
دختران این زمانه، برای عشق و صداقت و...  
تره هم خرد نمی کنند.

هر چه می توان باید از آنان استفاده برد و  
پس از به سر آمدن تاریخ انقضای رابطه، آنان  
را رها کرد. تاریخ انقضای یک رابطه عبارت

است از زمانی که جنس مخالف دیگر برایت  
سودی نداشته باشد و یا احتمال دردسر از  
سمت او احساس شود.



فصل سوم

تست عشق

در این فصل بسیار مهم ، شما می آموزید که چگونه انسان صادق را از حقه باز تشخیص داده و حقه باز های جامعه را به خوبی تشخیص دهید.

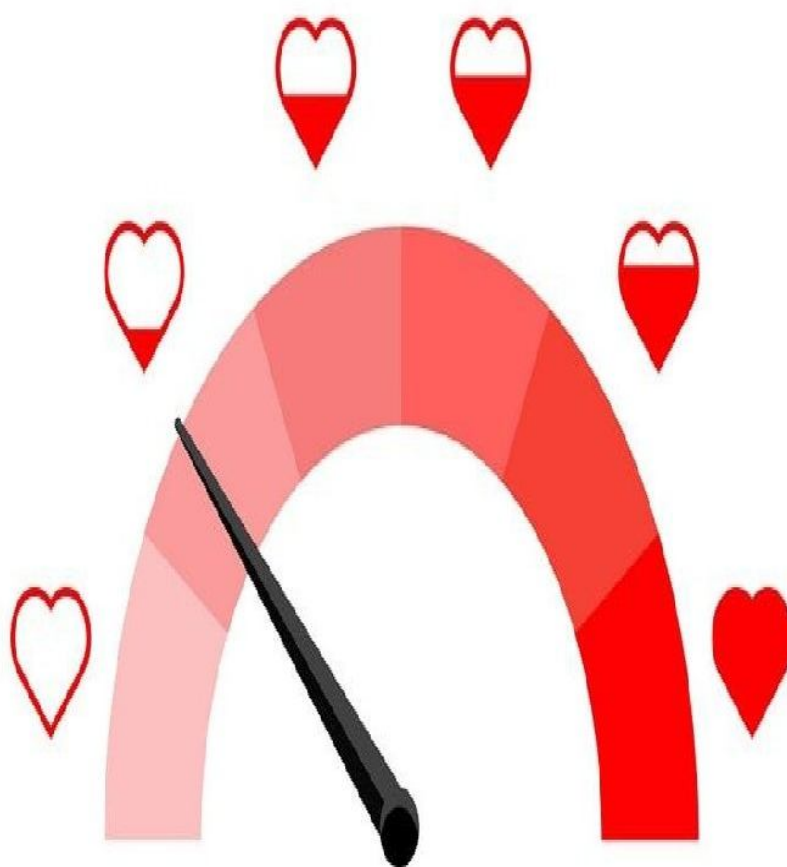
مطالبی که در ادامه ذکر میشود، می تواند شما را از یک زندگی خطرناک و ناپایدار نجات دهد. پس لطفا با دقت این نکات را بخوانید و با هوشمندی، آنها را بکار ببرید.

یادآور می شوم که هدف کلی این کتاب ، در چهار چوب ازدواج تهیه شده است. پس اگر از آن دسته انسانهایی هستید که معتقدید قبل از ازدواج ، بایستی طرف مقابلتان را به خوبی شناخته و سپس اقدام به انجام مهمترین پیوند زندگیتان کنید ، تمامی مطالب این کتاب بکار شما خواهد آمد.

امید آن دارم که با بکار گیری تست های این فصل ، تمامی زنان و دختران همشهری ام و البته سرزمینم ، از چنگال تمامی حقه باز ها دور بمانند.

اکنون مطالب این فصل را به اتفاق هم آغاز می کنیم.

اگر شما مخاطب عزیز، فرد مورد نظری در زندگیتان دارید که قصد آغاز یک رابطه‌ی پایدار و منتهی به ازدواج را با آن شخص در سر می‌گذرانید، تست‌های زیر را بر روی او آزمایش کنید تا چهره‌ی واقعی او را مشاهده نمایید.





## تست اول : عدم ایجاد رابطه ی جنسی

شاید واضح باشد که کمتر زن یا دختری به راحتی حاضر به ایجاد یک رابطه ی جنسی شود و نیازی به این تست از طرف شما احساس نمی شود . ولی به من اعتماد کنید . با جادو هایی که به چشم خود ، از آقای حقه باز مشاهده کرده ام ، این تست بسیار ضروری است .

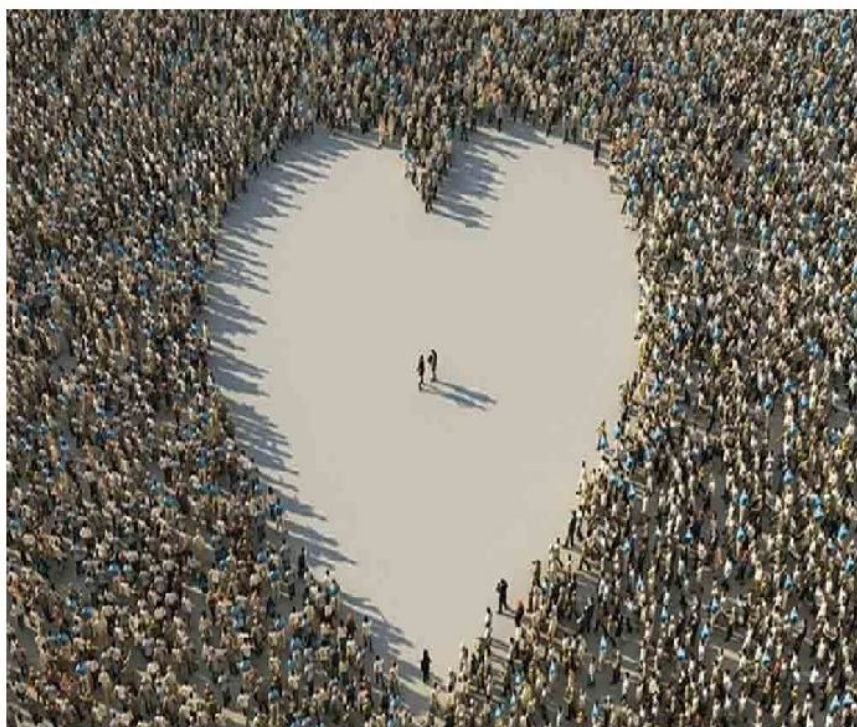
در ابتدا نیازی نیست که سر صحبت در زمینه ی عدم ارتباط جنسی را شما باز کنید . چرا که در غیر این صورت ، خود باعث ایجاد این رابطه در ذهن شخص مورد نظرتان خواهید شد .

بگذارید تا زمان بگذرد و آقای ✪ مورد نظرتان به سمت گفتگو در زمینه ی ایجاد یک رابطه ی جنسی با شما کشیده شود . در این زمان است که شما بایستی با قاطعیت به او بگویند که هرگز حاضر به ایجاد یک رابطه ی جنسی با او نخواهید بود ، مگر پس از ازدواج ...

اینجاست که آقای ✪ مورد نظر شما خود واقعی اش را نشان خواهد داد . اگر او به شما بگوید

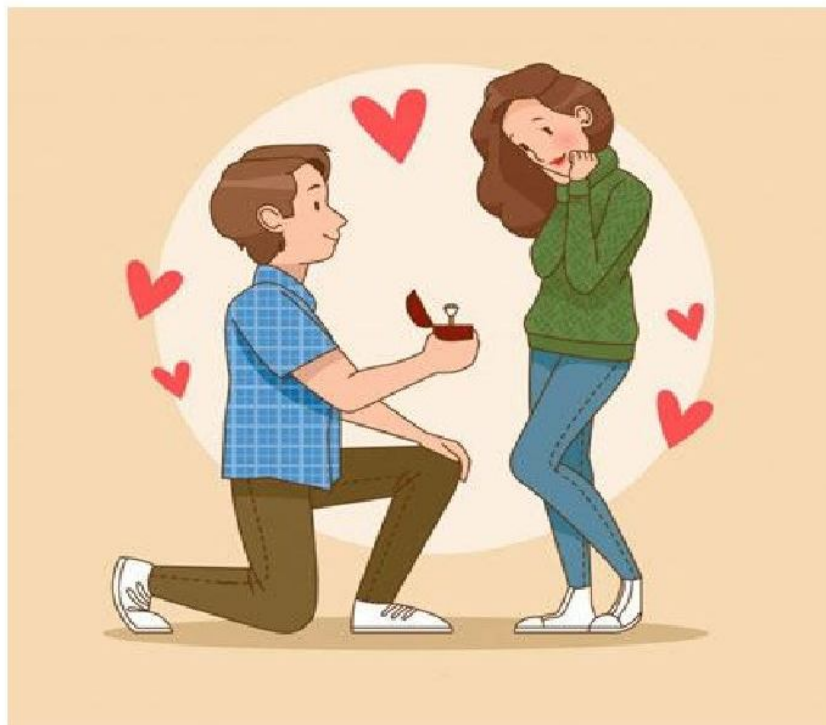
که این مسئله ، یعنی عدم ارتباط جنسی برای او مهم نیست و به شما برای وجودتان علاقه دارد، از دسته ی حقه باز ها خارج است. ولی اگر بر مسئله ی ایجاد رابطه ی جنسی اصرار ورزید و یا ارتباط بین شما و خود را قطع نمود ، بدون شک بدانید که او یک حقه باز است.

البته این اولین تست شماست و اگر شخص مورد نظرتان از این تست سربلند بیرون آمد ، زود نتیجه گیری نکنید.



## تست دوم : قانون ناز کردن

از ابتدای خلقت انسان ، جنس زن با ناز کردن برای جنس مرد آفریده شد. شاید برایتان جالب باشد، زمانی که خداوند حوا را برای آدم آفرید، آدم رو به خدا کرد و گفت خداوندا این موجود زیبا کیست. خداوند به آدم فرمود ، این موجود زیبا را برای تو آفریدم تا تنها نباشی و او همدم تو باشد. آدم رو به حوا نمود و به او گفت نزد من بیا، ولی حوا سر جای خود ایستاد. خداوند به آدم فرمود تو نزد او برو...



در این تست شما خواهید فهمید که شخص مورد نظرتان یار واقعی است یا مار واقعی که همان حقه باز یاد شده است.

بگذارید پس از مدتی از آغاز آشنائیتان با فرد مورد نظرتان بگذرد. اکنون نوبت کمی تغییر رفتار از طرف شماست. برای مدت چند روز او را تحویل نگرفته و خود را چندان مشتاق او نشان ندهید. در این موقع دو عکس العمل از جانب او مشاهده خواهید نمود که هویت واقعی اش را بر ملا خواهد نمود.

اگر آقای مورد نظر شما، شروع به خریدن نازتان نمود و رفتارتان باعث عصبانیت و رفتار متقابل به مثل شما نشد، او از این تست جان سالم به در برده است. ولی اگر ناز کردن شما باعث کم رنگ شدن و یا قطع رابطه ی او با شما شد، به شما تبریک میگویم. چرا که یک حقه باز را از زندگیتان بیرون کرده اید.

اگر کسی واقعا عاشق شما باشد، هرگز با این تست شما را ترک نخواهد کرد. البته لازم به ذکر است که این تست را بیش از یک هفته بر روی شخص مورد نظرتان پیاده نکنید.

## تست سوم : شناسایی

در ابتدا باید بدانید که یک حقه باز ، هرگز اطلاعات واقعی خود را بروز نخواهد داد. چرا که ممکن است روزی سوء استفاده هایش ، باعث دردسر برای او شود . پس در نتیجه اگر اطلاعات غلطی از خود بروز دهد ، به راحتی میتواند فرار را بر قرار جایگزین کند.



پس در نتیجه در همان ابتدای آشنائیتان با شاهزاده ی رویاهایتان ، همه ی اطلاعات شخصی او از جمله اسم ، فامیل ، شغل ، محل زندگی و کار را بپرسید . به تدریج که از زمان آشنائیتان میگذرد، هر طور که می دانید صحت اطلاعات او را بررسی کنید . اگر اطلاعات او ، همانی بود که به شما گفته بود، فرد مورد نظر از این تست هم با سربلندی گذر کرده است. اما اگر آقای عاشق از بروز اطلاعات شخصی خودداری نمود یا اطلاعات داده شده توسط او با اطلاعاتی که شما بدست آوردید تناقض داشت ، باز هم شما یک حقه باز را شناسایی کرده اید و تصمیم با شماست...

### **تست چهارم : دستیار**

یکی از بهترین تست ها برای شناخت یک حقه باز ، استفاده از یک دستیار مخفی است . یک حقه باز هرگز به ۱۰ یا ۱۰۰ کیس دختر یا زن بسنده نمی کند . او یک معتاد به دوستی با جنس مخالف و سوء استفاده از آنهاست.

شما بایستی به یکی از دوستان قابل اعتمادتان که از او توقع خیانت ندارید خواهش کنید که در امتحان فرد مورد نظرتان، شما را یاری کند.

به همین منظور شما به یک خط موبایل یک بار مصرف یا بی اهمیت نیاز دارید. در ادامه دوست شما بایستی که خود را یک عاشق دل بسته در نظر فرد مورد نظرتان جلوه دهد.

البته ایفا کردن این نقش و گرفتن نتیجه ی دلخواه بدون متوجه شدن شخص مورد نظرتان، بستگی به بازی خوب دستیارتان دارد. برای مثال دستیار شما میتواند این داستان را به فرد مورد نظرتان تحویل دهد:

**من شما را دیدم و خیلی عاشقت شده ام. روزی که همراه یکی از دوستانم بودید.**

**شماره ی شما را از گوشی موبایل دوستم بطور مخفی برداشتم و با شما تماس گرفتم...**

البته این یک داستان خلاصه بود و دستیار شما بایستی شاخ و برگ بیشتری به داستان

بدهد تا فرد مورد نظر دچار شک و تردید نشود.

این یکی از مهمترین تست‌هایی است که بوسیله‌ی آن می‌توانید یک حقه‌باز را از یک انسان صادق تشخیص دهید. اگر فرد مورد آزمایش شما، بدون اینکه به دستیاران مشکوک شود، پاسخ منفی به تقاضای آشنایی دستیار شما دهد، در امتحان مهمی قبول شده است. ولی اگر فرد مورد نظر آشنایی با دوست شما را قبول کرد و یا بطور ادامه‌دار، مثلاً چندین روز شروع به سوالاتی از دستیاران نمود و بطور غیر مستقیم تمایلش را به یک ارتباط دوستانه با جنس مخالف نشان داد، باز هم یک حقه‌باز را در دام انداخته‌اید.





### هشدار :

اگر به دستیاران ذره ای شک داشته یا فرد قابل اعتمادی در دسترستان نبود تا شما را در این تست یاری دهد، میتوانید از خط ناشناس و تلفن همراه خودتان استفاده کنید و هنگامی که حضوراً در کنار دستیاران قرار دارید، اقدام به انجام این تست نمائید. به شرطی که دستیاران شماره ی فرد مورد نظرتان را نبیند یا به حافظه اش نسپارد.

می دانید که روزگار، روزگار خوبی نیست و به هر کسی نمی توان اعتماد کرد. پس مراقب باشید.

### آخرین تست : ارتباط آشکار

در این تست نیازی نیست که شما واقعا ارتباط معمولیتان را آشکار بسازید. زیرا خیلی از خانم ها هستند که ترجیه می دهند قبل از آشکار سازی رابطه ی هدفمند خود با یک فرد مشخص ، ابتدا از او شناخت کافی بدست بیاورند . ولی در این تست کافی است تا به شخص مورد نظرتان بگوئید که من میخواهم در مورد ارتباطم با شما ، با پدر یا برادرم مشورت کنم و یکی از آنها را در جریان هدف و رابطه ی سالمی که داریم قرار دهم . میتوانید این مطلب را که برادری یا پدری غیرتی اما منطقی دارید، چاشنی حرفتان قرار دهید.



( البته یکم از این تصویر منطقی تر )

اینجاست که فرد مورد نظر اگر واقعا عاشق و صادق باشد ، پیشنهاد شما مبنی بر علنی شدن رابطه ی هدفمندتان را قبول می کند . ولی اگر شخص مذکور یک حقه باز باشد ، دُم خود را روی کولش خواهد گذاشت و از همان راهی که به سمت شما آمده ، باز خواهد گشت...

## فصل چہارم

### نیروی کمکی

مخاطب عزیز، به فصل آخر این کتاب رسیدیم.  
در این فصل، پاسخ سوالی که در ابتدای این  
کتاب در مورد عنوان آن برایتان پیش آمد را  
می یابید. اینکه چرا عنوان کتاب بیشتر به  
مخاطبین اصفهانی اشاره کرده تا مخاطبین  
عام...؟

دلیل این مسئله ابتدا محل سکونت بنده در  
شهر زیبای اصفهان است و اینکه چه تفاوتی  
میان مخاطبین دیگر و مخاطبان عزیز  
اصفهانی وجود دارد، در ادامه مشخص  
می شود.



این فصل را به عنوان فصل آخر و سخن پایانی در نظر گرفتم. به همین دلیل هر آنچه لازمه ی کمک به شما مخاطبین گرامی باشد، در ادامه ذکر میکنم.

پیش از ادامه ی سخن، باید عرض نمایم که من قصد نوشتن کتاب قطور و خارج از حوصله را نداشته و به همین خاطر به نگارش یک کتابچه ی مختصر، اما بسیار مهم اکتفا نمودم. کاری که من در این فصل خواهم کرد، هرگز در هیچ یک از کتاب های دیگرم ( **از جمله کتاب گذر از شیطان که با سرچ در گوگل میتوانید آن را دانلود نمایید** ) انجام نداده ام.

همانطور که قبلا اشاره نمودم، یک شکست عشقی بسیار دردناک باعث نزدیک شدن من به حقه باز و نوشتن این کتاب گردید. عشقی که سالها بارنج و مشقت بدست آمده بود و در کنارش زندگی می کردم، به وسیله ی یکی از همین حقه بازها فریب خورده و منجر به نابودی رابطه ی عاشقانه و پاکی که نزدیک به ازدواجمان بود، شد.

از آن موقع تا کنون ، تنفیری شدید نسبت به همه ی حقه بازانی که در صدد فریب زنان و دختران ساده دل و صادق هستند ، در من به وجود آمده است.

این کتاب بهترین فرصت برای ضربه زدن مستقیم به همه ی حقه بازان جامعه است. حال من سنت شکنی نموده و شخصاً تصمیم به جنگ با این چنین موجوداتی شده ام.



شما مخاطب گرامی با خواندن این کتاب و عمل به دستورات آن، به راحتی قادر به تشخیص همه ی حقه بازان خواهی بود و همین کتاب برای شما کافی خواهد بود. ولی چنانچه کار شما از این حرف ها گذشته و در دام یک حقه باز گرفتار شده اید و مسئله ی شما دچار یک پیچیدگی غیر قابل توصیف شده است، دو راه در پیش رو دارید.

### راه اول:

در صورتی که شرایط اثبات خطای حقه باز را دارید، می توانید به مراجع قضایی مراجعه و علیه او شکایت کنید.

### راه دوم:

بنده به عنوان نویسنده ی این کتاب و برادر کوچکتر شما، با کوهی از تجربه در این مورد، میتوانم هر راهنمایی ای که لازم باشد به شما ارائه دهم و اگر نیاز به اقدامات حضوری در رابطه با در دام انداختن حقه باز باشد، دریغ نخواهم کرد.

اگر خود ستایی نباشد، از لحاظ فیزیکی سالها ورزش رزمی را انجام داده ام و همچنین



دوستان مشاور ، وکیل و مامورین نیروی  
انتظامی در اختیار دارم که می توانند در به تله  
انداختن و دستگیری و یا ادب کردن حقه باز  
زندگی شما کمکی ارائه دهند.

چنانچه شما مخاطب گرامی ، نیاز به ارائه ی  
راهنمایی، کمک یا درخواست ارسال این کتاب  
یا دیگر کتب نوشته شده به دست اینجانب را  
دارید، به آدرس تلگرام :

**@jangjooieakharozaman**

مراجعه نمایند . به شما اطمینان میدهم که در  
اسرع وقت پاسخ شما را داده و از هیچ کمکی  
دریغ ننمایم.

باشد که با انتشار این کتاب ، قدمی در راه  
ساختن جامعه ای عاری از افراد حقه باز  
برداشته باشم.

پایان



**@JANGJOOIEAKHAROZZAMA<sup>n</sup>**